



تمدن اسلامی ایرانی می تواند سنت و مدرنیته را با یکدیگر جمع کند/ نقش محوری سنتهای دینی در تمدن اسلامی ایرانی

دبیر کارگروه اخلاق کاربردی در مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی(ره) با بیان اینکه در فرهنگ و تمدن کنونی جامعه ما چه بخواهیم و چه نخواهیم دین و سنت‌های دینی نقش محوری...

دبیر کارگروه اخلاق کاربردی در مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی(ره) با بیان اینکه در فرهنگ و تمدن کنونی جامعه ما چه بخواهیم و چه نخواهیم دین و سنت‌های دینی نقش محوری دارند، گفت: این تمدن به اندازه کافی از غنا و محتوا برخوردار است که بتواند سنت و مدرنیته را با یکدیگر جمع کند. به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام دکتر محمدرسول ایمانی خوشخو، دکترای ادیان و عرفان و دبیر کارگروه اخلاق کاربردی در مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی(ره) به چند سؤال در مورد تأثیر مدرنیسم بر هویت پاسخ داده است که اکنون از نظر شما می گذرد.

*فراموشی سنتها باعث انقطاع فرهنگی و شکاف نسلی فرهنگی می شود. یکی از عواملی که باعث فراموشی سنتها می شود، غرق شدن در مدرنیته و هویت مدرن است. آیا می توان بخشی از هویت مدرن را گرفت و دچار فراموشی سنتها نشد؟

برخی مدرنیته را زندگی در زمان حال و سلب خاطر از هر آنچه می دانند که متعلق به گذشته است و یا تعهدی نسبت به آینده برای انسان ایجاد می کند. به تعبیر دیگر، مدرن زندگی کردن زمانی حاصل می‌شود که این خودآگاهی برای فرد محقق شود که گذشته و آینده پنداری بیش نیست و باید اکنون را غنیمت شمرد. این تعریف از مدرنیته که پس از ژان ژاک روسو متداول گشت، طبیعتاً نافی تقید به هر آن چیزی است که به نوعی متعلق به گذشته بوده و سنت محسوب می‌شود؛ گردد. آدمی باید خود را با جریان طوفنده تحولات اجتماعی همراه و هماهنگ سازد و از بند باورها، سنت‌ها، آداب و هرگونه تقید فرهنگی، بومی و مذهبی رها سازد.

لحاظ عوامل پیدایش این رویکرد و نظر در خاستگاه آن روشن می سازد که این تعریف از مدرنیته مبتنی بر مبانی و اصولی است که عدم توافق بر سر آنها صورت مسئله را تغییر خواهد داد. تفاوت نهادن بین باستان و جدید که در ابتدای دوره رنسانس زمینه‌ساز اولین نغمه‌های مدرنیته در غرب بود، خود نشان می‌دهد که انسان‌ها؛ محوری قرن پانزدهم در غرب و عرفی کردن هر آنچه نوعی رنگ و بوی متفاوتی دارد، هسته مرکزی جریان مدرنیته می‌باشد.

طبیعتاً اگر رویکرد ما به انسان و جهان متفاوت با رویکرد اومانیستی باشد که ستون فقرات تمدن غرب را تشکیل می دهد و هدف غایی حیات انسان را نه در این دنیا بلکه در مراتب عالی قرب حق معنا کنیم، آنگاه رویکرد ما به زندگی و حیات نیز متفاوت خواهد بود. با اتخاذ چنین رویکرد الهی به انسان، دیگر هر آنچه رنگ مدرن به خود بگیرد، ارزشمند نمی‌شود؛ بلکه ارزش به امری تعلق می گیرد که انسان را به سمت هدف نهایی خلقتش نزدیک کند. با این ملاک و میزان چه بسا اموری که ما آنها را متعلق به گذشته و سنت قلمداد می‌کنیم، اما تقید به آنها ارزشمند خواهد شد و چه بسیار چیزهایی که مدرن تلقی می‌شوند، اما مانعی بر سر تکامل و تعالی انسان ایجاد می‌کنند.

به نظر می‌رسد نباید در هیاهویی که جریان مدرنیته به پا کرده است، دچار از خود بیگانگی شد و همه چیز را به نفع آن از صحنه خارج کرد.

به قول اندیشمند معاصر، شهید مطهری، آدمی غیر از نیازهای متغیری که در هر عصری پاسخگوی خاص خود را می طلبد و زندگی مطابق با تحولات مدرن اجتماعی را در هر دوره و عصری ایجاب می‌کند، نیازهای ثابتی نیز دارد که ریشه در فطرت و امیال فطری او دارد.

بسیاری از اموری که از طریق سنت‌های دینی به ما رسیده در جهت پاسخگویی به این نیازهای اصیلی است که با گذشت زمان دچار تغییر نمی‌شوند و غفلت از آنها به بهانه تغییر شرائط در حقیقت غفلت از بخشی از هویت ریشه دار و رابطه عمیق وجودی ما با خالقمان است که در نهایت بی‌هویتی را به دنبال خواهد داشت.

*در هویت کنونی میانگین افراد جامعه ما، سنتها چه نقشی دارند؟

در فرهنگ و تمدن کنونی جامعه ما چه بخواهیم و چه نخواهیم دین و سنت‌های دینی نقش محوری دارند. این تمدن به اندازه کافی از غنا و محتوا برخوردار است که بتواند سنت و مدرنیته را با یکدیگر جمع کند.

ما وامدار سنتی هستیم که از سویی ما را به استفاده از مظاهر حیات دعوت می‌کند و آنها جلوه و زینت حیات دنیا معرفی می‌کند و از سوی دیگر به ما می‌آموزد که غرق شدن در زندگی دنیا و اصالت بخشیدن به آنچه ذاتاً مجاز و گذراست، بحران هویت و پوچی و بی‌معنایی را به همراه می‌آورد.

ما سنتی را در اختیار داریم که در ضمن اینکه خداشناسی و یا بهتر بگوییم شناخت هویت خود را اشرف علوم معرفی می‌کند، با این حال همه عالم را نشانه و آیت حق معرفی می‌کند و ما را به تأمل در آن که در سایه علوم تجربی حاصل می‌شود، تشویق می‌کند.

و بالاخره در سنتی رشد یافته ایم که دین و دنیا را با هم مد نظر قرار داده و داد یکی را به قیمت جفای به دیگری نستانده است.

می‌توان در پناه این سنت و زیر سایه آن زندگی کرد و در عین حال از تحولات فزاینده علم و تکنولوژی عقب نماند. می‌توان مظاهر انسانی و متعالی مدرنیته را اخذ کرد، اما در پابندی به سنتهایی که هویت اجتماعی و دینی ما رقم می‌زنند، سستی به خرج نداد.

این امر مهمی است که تمدن بزرگ اسلامی – ایرانی شرائط آن را برای ما فراهم کرده و ابزارهای آنرا در اختیار ما قرار داده است.